



A Criticism of the Prophet's Wives Entry from the EQ Leiden Encyclopedia of the Quran *

Ali Qanei ^۱

Leila Ebrahimi ^۲

Mehdi Doroshti ^۳



Abstract

Jihad is one of the branches of religion that became obligatory in Madinah and the Holy Quran recommended Muslims to it. Orientalists have introduced the book of violence and the religion of Islam as the religion of the sword without paying attention and analyzing the nature, philosophy and works of the Quran. The main problem of the research is that what are the appropriate answers to the doubt of some orientalists (including Revan Firestone, Bernard Lewis, Rizway Pfizer, Theodore Noldeke, etc.) regarding the existence of violence in the context of Jihad in Islam? The method of this research is analytical-descriptive and critical. The research aims to provide appropriate answers to the above question, taking into account the goals of the Islamic religion and Quranic concepts. The important findings of the research are reported as follows. The objectives of Islam are based on peace and tranquility, and numerous verses indicate the call for peace and peaceful coexistence with other religions, as well as divine-wide mercy. Historical examples such as the ۱۳-year presence of Muslims in Mecca, as well as the peace of Hudaybiyah and the conquest of Mecca, are evidence of the claim that war and jihad in the era of the Prophet of Islam (PBUH) had all defensive aspects, and also the effects of time and place in the rulings of jihad prove peace-oriented in the field of Jihad.

Keywords: Jihad and Orientalists, Quran and Jihad, Suspicion of Violence and Jihad, Peace.

*. **Date of receiving:** August ۲۹, ۲۰۲۱; **Date of correction:** December ۱۸, ۲۰۲۱; **Date of approval:** May ۱۵, ۲۰۲۲.

^۱. Ph.D. in Quranic Interpretation and Sciences, Al-Mustafa International University, the Education Secretary of the Tafsir Scientific Department of the Al-Zahra Seminary; (ghaneia^{۱۳}@yahoo.com).

^۲. Level ۴ Student of Al-Zahra Seminary, (Corresponding Author) (ebrahimi.ly^۱@gmail.com).

^۳. Level ۳ Student of Sifiran Hedayat (dorosti.mahdi^۱@gmail.com).



نقد و بررسی مدخل همسران پیامبر از دایرةالمعارف قرآن لیدن EQ*

علی قانعی^۱ و لیلا ابراهیمی^۲ و مهدی درستی^۳



چکیده

مقاله «همسران پیامبر» اثر باربارا فریر استواسر در جلد پنجم دایرةالمعارف قرآن لیدن منتشر شده است. وی با استناد به منابع اهل سنت ابتدا به معرفی تعداد و اسامی همسران پیامبر α پرداخته و بعد از بیان آیات مربوط به همسران پیامبر α به چگونگی تصاویر همسران پیامبر در منابع حدیثی و تاریخی قدیم و جدید می‌پردازد. بررسی میزان اعتبار و سنجش این مدخل به دلیل ارتباط با سیره پیامبر اکرم α و اصل عصمت آن حضرت، امری مهم و ضروری است. این پژوهش با شیوه توصیفی — تحلیلی و با مطالعه کتابخانه‌ای به بررسی و نقد مدخل همسران پیامبر از دایرةالمعارف قرآن می‌پردازد. نویسنده این مدخل اگرچه به صورت کلی مطالب قابل توجهی را تبیین و گزارش کرده است؛ اما به دلیل استناد به منابع اهل سنت دچار کاستی و ضعف‌هایی شده و مطالبی را ذکر کرده است که با آیات قرآن و تاریخ قطعی در خصوص سیره پیامبر α ناسازگاری دارد. از مهم‌ترین اشکالات این مدخل، نسبت دادن اموری نادرست و جعلی به پیامبر α در زندگی خانوادگی و پایین آوردن حرمت رسول خدا α ، بالا بردن جایگاه برخی همسران آن حضرت و عدم جامعیت آن در منابع مورد استفاده است. این نوشتار درصدد است محورهای قرآنی این مدخل را با استناد به منابع معتبر اسلامی نقد کند.

کلید واژه‌ها: همسران پیامبر، شان نزول آیات زنان پیامبر، مستشرقان، دایرةالمعارف قرآن لیدن، باربارا فریر استواسر.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۹/۲۷ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵.

۱. دکتری تفسیر و علوم قرآن جامعه المصطفی العالمیه، دبیر آموزش گروه علمی تفسیر جامعه الزهراء η ، قم، ایران: (Ghaneh^{۸۳}@yahoo.com)

۲. طلبه سطح چهار جامعه الزهراء η ، قم ایران (نویسنده مسئول): (Ebrahimi.ly^۱@gmail.com)

۳. دانش آموخته سطح سه حوزه، قم، ایران: (dorosti.mahdi^۱@gmail.com)



مقدمه

شناخت سیره پیامبر اکرم α در قرآن و روایات و اخبار تاریخی، از دیرباز برای مسلمانان دارای اهمیت ویژه‌ای بوده است. ایشان در طول دوران حیات خود و بعد از آن همواره از ناحیه دشمنان مورد هجمه قرار گرفته است. حجم بالای اهانت‌ها و بی‌احترامی‌ها در مورد ایشان آنقدر بالا بوده که حضرت بارها فرمود: «مَا أَوْذَى نَبِيٍّ مِثْلَ مَا أُودِيَتْ؛ هیچ پیامبری مانند من اذیت نشد». بنابراین هر مومنی باید سیره صحیح زندگی پیامبر α را که همان روش و سبک زندگی ایشان است، بشناسد. برخی از گزارش‌های مربوط به سیره پیامبر در منابع تفسیری، روایی و تاریخی، دارای امور غیر واقعی و ناسالم هستند، که قصه‌پردازان مغرض از خود ساخته و به روایات و اخبار سیره افزوده‌اند و اکنون غربی‌ها همین روایات را درباره سیره پیامبر α می‌خوانند؛ روایاتی که پر از توهین و اهانت است و رفتارهایی را به ایشان نسبت داده که از یک فرد عادی هم سر نمی‌زند. از این رو به دلیل وجود اطلاعات نا صحیح در روایات که ناشی از جعل، تحریف و ضعف رخ داده، نمی‌توان به تمام این اخبار و گزاره‌ها اعتماد کرد. در بخش نقل‌های تاریخی ناظر به زندگی پیامبر اعظم، بیشتر تفاسیر، از روند تساهل و تسامح پیروی کرده است و چه‌بسا ظواهر آیات، تحت الشعاع همین اخبار واقع شده و مسیر فهم صحیح آیات را متوقف ساخته است. در سال‌های اخیر برخی از محققان و قرآن‌پژوهان غربی هم در زمینه سیره اخلاقی پیامبر α ، آثاری را تألیف کرده‌اند. خانم باربارا فریر استواسر استاد زبان عربی دانشگاه جرج تاون در آمریکا از جمله قرآن‌پژوهان غربی است که مقاله او با عنوان «همسران پیامبر» در جلد پنجم دایرةالمعارف قرآن لیدن به چاپ رسیده و توسط فریبا پات ترجمه شده است. مدخل «خدیجه» هم از دیگر تألیفات ایشان در این دایرةالمعارف به شمار می‌آید. در دوران معاصر هم، به‌واسطه توان تبلیغی جریان‌های مخالف دین، مسئله اهانت به سیره پیامبر α و اهل بیت β با استناد به روایات نادرست و غیر معتبر با شدت بیشتری مطرح شده است. با توجه به اینکه پژوهشگران انگلیسی زبان ممکن است اطلاعات موجود در این دایرةالمعارف را به عنوان منبع شناخت خویش از قرآن و اسلام قرار دهند؛ از این رو اعتبارسنجی و ارزیابی محتوا و گزاره‌ها و اخبار آن از طریق عرضه به قرآن و سنت قطعی، وظیفه‌ای عمده محسوب می‌شود که باید مورد توجه نواندیشان و قرآن‌پژوهان قرار بگیرد. کتاب‌ها و تألیفاتی که در زمینه همسران پیامبر و شبهات مربوط به سیره آن حضرت در این حوزه، صورت گرفته عبارتند از:

۱. «نقد ادعای مستشرقان در مورد تناقض در آیات تعدد زوجات»، توسط زهره اخوان مقدم، زهره و فرزانه پاشازاده، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره دوم، سال ۱۳۹۲.

۲. «نقد دیدگاه مستشرقان درباره تعدد همسران پیامبر α از منظر قرآن»، توسط محمدحسین محمدی و فاطمه صارمی، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره بیست و یکم، سال ۱۳۹۵.
۳. «بررسی دیدگاه مستشرقان درباره ازدواج پیامبر اکرم با زینب»، محمدتقی دیاری بیدگلی و یالچین علی اف، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره شانزدهم، سال ۱۳۹۳.
- باتوجه به بررسی های انجام گرفته توسط نگارنده، مدخل «همسران پیامبر» در دایرةالمعارف قرآن لیدن تاکنون مورد پژوهش و نقد قرار نگرفته است. ازاین رو این پژوهش از این نظر جدید و نو است. پژوهش حاضر پس از معرفی اجمالی نگارنده مدخل «همسران پیامبر»، به ارائه گزارش مختصر از ترجمه آن پرداخته و سپس گزارش های قرآنی آن را با دلایل نقلی، عقلی و تاریخی موردنقد و بررسی قرار می دهد.

یک. معرفی نویسنده مقاله

باربارا فریر استوا سر (Stowasser, Barbara Freyer) در سال ۱۹۳۵ میلادی در آلمان متولد شد و از جمله افرادی بود که در زمینه زنان در اسلام مطالعات بسیاری انجام داد. او مقطع کارشناسی ارشد و دکتری را در آلمان تمام کرد، سپس در دانشکده ادبیات عرب دانشگاه جرج تاوان آمریکا مشغول به تدریس شد و به دلیل مهارت بالایی که در زبان عربی داشت، به عنوان مدیر اصلی در مرکز تعلیمات عربی در همان دانشگاه معرفی شد. او در سال ۲۰۱۲ در واشنگتن از دنیا رفت. آثار او شامل کتب و مقالات زیر است:

- کتاب «زنان در قرآن، سنت و تفسیر»: Women in the Qur'an, Traditions, and Interpretation and interpretation
- کتاب «وقت کندن: تفکرات درباره تقویم ها و هزاره ها»: time to reap: Thoughts on calendars A and millennialism
- کتاب «روز از غروب خورشید آغاز می شود: ادراک زمان در جهان اسلام»: The day begins at sunset perceptions of time in the Islamic world
- کتاب «دین و توسعه سیاسی: برخی از ایده های مقایسه ای درباره ابن خلدون و ماکیاولی»
Religion and political development: some comparative ideas on Ibn Khaldun and Machiavelli
- مقاله «خدیجه» در دایرةالمعارف قرآن لیدن: article "Khadīja"
- مقاله «همسران پیامبر»: "Wives of the Prophet". Encyclopaedia of the Qur'an



دو. گزارشی اجمالی از مقاله «همسران پیامبر»

مقاله «همسران پیامبر» در صفحات ۴۹۴ تا ۵۱۰ دایرةالمعارف قرآن لیدن نگارش شده است؛ اما باتوجه به طولانی بودن مدخل، خلاصه‌ای از مطالب مهم آن اشاره و تحت عناوین ذیل دسته‌بندی شده است:

اول. تعداد همسران پیامبر: نویسنده مقاله در این بخش تعداد و اسامی همسران پیامبر را بیان کرده و در ادامه می‌نویسد که آیه ۵۰ سوره احزاب، مبنای مشروعیت بخشی قرآن بر تعدد زوجات پیامبر در بیشتر از چهار مورد بوده که از جانب خداوند تأیید شده است (مک اولیف، دایرةالمعارف قرآن، ترجمه فریبا پات، ۱۳۹۷: ۴۹۴/۵ - ۴۹۶).

دوم. آیاتی که با همسران پیامبر پیوند دارند:

- سوره احزاب ۳۷ - ۳۸: مشروعیت ازدواج با همسر پیشین پسرخوانده.

- سوره احزاب آیه ۵۳، آیه حجاب (همان).

- سوره نور آیات ۱۱ - ۲۶: طبق ترتیب نزول، تاریخ این آیات به سال پنجم یا ششم پس از هجرت برمی‌گردد و گفته می‌شود سبب نزول آن درگیری عایشه در ماجرای افک بوده است (همان: ۴۹۸/۵).

- سوره احزاب آیات ۲۸-۲۹: گزارش های حدیثی در مورد انزوای یک ماهه پیامبر از همه همسرانش یکسان نیست. بعد از نزول این آیات همسران پیامبر که در رأس آنها عایشه بود اعلام کردند که خدا و فرستاده او را به این دنیا و زینت آن ترجیح دادند. گفته شده که عایشه به سرعت و بدون مشورت با پدر این خبر را به پیامبر رساند.

- سوره احزاب آیات ۳۰ - ۳۱: عذاب مضاعف و پاداش مضاعف به همسران پیامبر: عموماً تصور می‌شود که این آیات بلافاصله بعد از نزول بحرانی که باعث انزوای پیامبر از همسرانش شد، نازل شده است (همان: ۴۹۷/۵ - ۴۹۹).

- سوره احزاب آیه ۶: زنان پیامبر ام‌المؤمنین هستند و مسلمانان اجازه ندارند که با آنها ازدواج کنند و این برای تکریم خود پیامبر است چه در زمان حیات و چه بعد از رحلتش، ولی بر ما معلوم نیست که زنان ثابت پیامبر از او طلاق گرفته باشند یا بیوه‌هایش بعد از او دوباره ازدواج کرده باشند (همان: ۵۰۰/۴).

- سوره تحریم آیات ۱ - ۵: رهایی پیامبر از برخی محدودیت‌ها کفاره سوگندها و همسری که راز را افشا کرد، هشدار به دوزنی که علیه پیامبر دسیسه کردند و تهدید طلاق. این وحی پیامبر را از برخی محدودیت‌های نامعلوم و ظاهراً خودخواسته رها کرد (همان: ۵۰۰/۴).

- سوره احزاب آیه ۵۰ - ۵۱: دسته‌هایی از زنان مشروع برای ازدواج با پیامبر α و امتیازات ویژه برای آن حضرت در خانواده چند همسرش (همان: ۵۰۱/۵).

- سوره احزاب آیه ۵۲: این آیه به ازدواج‌های بیشتر پیامبر خاتمه داد. برخی گفته‌اند آیه ۵۲ با آیات ۵۱ همین سوره نسخ شد (همان: ۵۰۱/۵).

سوم. سه تصویر متمایز از همسران پیامبر در گزارش‌های حدیثی و تاریخی: خانم باربارا تصاویری که از همسران پیامبر در اخبار حدیثی گزارش شده را در سه عنوان زیر مطرح می‌کند: الگوهایی برای افراد پرهیزکار، همسران برگزیده‌ای که با معجزاتی که نشانه رسالت پیامبر بود تماس داشتند، همسران پیامبر به‌عنوان زنان عادی (همان، ۵۰۲/۵).

چهارم. همسران پیامبر در تفسیر جدید: مؤلف مقاله در این بخش با استناد به منابع جدید از قبیل کتاب عایشه بنت‌الاشاطی می‌نویسد که در این رویکرد همسران پیامبر مبارزانی تصویر می‌شوند که برای تثبیت ارزش‌های اسلامی از طریق اخلاق و شیوه زندگی معصومانه تلاش می‌کنند و حسادت آنها به پارسایی، تعهد به این آرمان و سرشت پرشور و جذاب خود آنها نسبت داده می‌شود (همان: ۵۰۷/۵ - ۵۱۰).

سه. بررسی و نقد مقاله

به جهت رعایت انصاف در ارزیابی مقاله سزاوار است که در ابتدا ابعاد مثبت مدخل همسران پیامبر ارائه شود و سپس نقاط ضعف و منفی آن با دلایل عقلی و نقلی و تاریخی مورد نقد و بررسی قرار بگیرد.

یک: نقاط قوت

وجود مدخل مفصلی برای موضوع همسران پیامبر که در واقع یکی از طولانی‌ترین مدخل این دایرةالمعارف است و همچنین تلاش در جهت ارائه اطلاعات جامع در معرفی این موضوع کاری بسیار قابل‌تمجید است. این مدخل در مجموع دارای امتیازهای زیر است:

۱. منطقی بودن ساختار و اسلوب مقاله در ارائه مطالب (ساختار مدخل: تعداد همسران پیامبر، آیات مرتبط با همسران پیامبر، نوع نگاه به همسران پیامبر در روایات و تاریخ، نگاه نواندیشان معاصر به همسران پیامبر).

۲. مستند بودن غالب مطالب آن (نویسنده مدخل، اگرچه مسئله‌ای را به صورت کلی بدون ارجاع در روایات و تاریخ گزارش می‌دهد؛ ولی در مواردی هم به منبع مورد استفاده اش ارجاع داده است: مانند صفحات ۴۹۴ و ۵۰۴ و ۵۰۷).



۳. ذکر مطالب مهم (مستند کردن و مشروعیت بخشی تعدد زوجات پیامبر براساس قرآن، شرح و تبیین آیات مربوط به همسران) و مفصل مربوط به همسران پیامبر α با زبان روان و قابل فهم.

دو: نقاط ضعف

به طور کلی این مقاله دارای کاستی ها و ضعف هایی است که نیاز به نقد و بررسی دارد. در نگاه اولیه، گزارش روایات و اخبار متعدد در قسمت های مختلف مدخل در زمینه فضائل عایشه، این فهم را به مخاطب مقاله القا می کند که عایشه در مقاله خانم باربارا، از جایگاهی خاص در میان همسران پیامبر برخوردار است. البته طبیعی است که این رهیافت و رویکرد ایشان، ناشی از مراجعه به منابع تاریخی و روایی اهل سنت، بدون ارزیابی و سنجش داده های این منابع است. از این رو در این بخش چند محور از موضوعات قرآنی این مدخل که چنین پیام و تصویری را به خواننده این مدخل می رسانند، ارزیابی و نقد می شود:

۱. نسبت نگاه و علاقه به زن نامحرم نسبت به پیامبر α بر اساس شان نزول آیه ۳۷ سوره احزاب
خانم باربارا در ذیل آیه ۳۷ سوره احزاب II اِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ؛ «و آنگاه که به کسی که خدا بر او نعمت ارزانی داشته بود و تو [نیز] به او نعمت داده بودی، می گفتی: «همسرت را پیش خود نگاه دار و از خدا پروا بدار» و آنچه را که خدا آشکارکننده آن بود، در دل خود نهان می کردی و از مردم می ترسیدی، با آنکه خدا سزاوارتر بود که از او بترسی» این گونه نوشته است: «گفته می شود پیامبر به زینب بنت جحش علاقه مند شد؛ ولی آن را مخفی کرد؛ زیرا در آن زمان پسرخوانده ها، هم طراز پسران واقعی بودند تا اینکه آیات II مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ وَ مَا جَعَلَ أَرْوَاجَكُمْ أَلَى تَظَاهُرٍ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَ مَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَالِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ O (احزاب/ ۴)؛ II مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّنْ رِّجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا O (احزاب/ ۴۰) عقیده رایج در باب برابری فقهی پسرخوانده ها و پسران واقعی را لغو کرد» (مک اولیف، دایرةالمعارف قرآن، ۱۳۹۷: ۵/ ۴۹۷). نقل این خبر تاریخی به عنوان شان نزول آیه مورد بحث از سوی خانم باربارا، موجب برداشت بی احترامی نسبت به ساحت پیامبر اکرم α می شود. در روایت طبری که از منابع مورد استفاده خانم باربارا فرییر استوار در این مقاله است، این گونه گزارش شده است: «پیامبر α ، دختر عمه خود، زینب بنت جحش را به تزویج زید بن حارثه در آورده بود. روزی رسول خدا برای ملاقات زید به منزل او رفت و سراغ وی را گرفت. در مقابل در خانه زید پرده ای از رشته های مو آویخته شده بود. در این حال نسیمی وزید و پرده خانه را کنار زد و

چشم پیامبر به زینب افتاد که داخل حجره و بدون جامه بود. پیامبر از زیبایی منظر او به شگفت آمد و محبت زینب در دلش جای گرفت. زینب نیز خود دریافت که در قلب آن حضرت جای گرفته؛ بنابراین هنگامی که زید به خانه آمد، او را از این ماجرا باخبر کرد. زید نزد پیامبر آمد و گفت: من تصمیم گرفته‌ام از همسر خود جدا شوم. پیامبر فرمود: آیا از او بدی دیده‌ای؟ گفت: یا رسول الله به خدا سوگند چنین نیست و از او جز خوبی ندیده‌ام؛ اما پیامبر او را از این کار بازداشت و فرمود همسرت را نگهدار و از خدا بترس» (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۱۰/۲۲ — ۱۱). براساس این روایت، پیامبر α با دیدن ناگهانی زینب، به او علاقه‌مند شده و زید نیز به دلیل علاقه پیامبر α به زینب، از او جدا شد.

نقد: ۱. گزارش‌های جعلی و تحریف شده احساس پیامبر α به زینب در منابع روایی شیعه (در مورد این داستان، اخباری در بعضی کتب شیعه ذکر شده است: «آن‌ه‌ها کان إذا رغب فی نکاح امرأة فان کانت خلوة وجب علیها الإجابة و حرم علی غیره خطبتها و إن کانت ذات زوج وجب علیها طلاقها لیکونها» (نجنفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۱۳۶۶: ۱۲۸/۲۹؛ اشکوری، تفسیر شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۶۳۷/۳). و «إذا وقع بصره علی امرأة ورغب فیها وجب علی الزوج طلاقها کقضية زید و إن کانت خلوة وجبت علیها الإجابة» (فاضل هندی، کشف اللثام، ۱۴۰۵: ۱۱/۲). این سخن بر مبنای سبب نزول نادرستی است که برخی ذیل آیه ۳۷ سوره احزاب نقل نموده‌اند.

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است که امام صادق^۷ فرمود: «فَلَمَّا هَاجَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى الْمَدِينَةِ رَوَّجَهُ زَيْنَبُ بِنْتُ جَحْشٍ وَأَبْطَأَ عَنْهُ يَوْمًا فَأَتَى رَسُولُ اللَّهِ α مَنَزِلَهُ يَسْأَلُ عَنْهُ فَإِذَا زَيْنَبُ جَالِسَةٌ وَسَطَ حُجْرَتِهَا تَسْحَقُ طَبِيبًا يَفْهَرُ فَنَظَرَ إِلَيْهَا وَكَانَتْ جَمِيلَةً حَسَنَةً فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ النُّورِ وَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» ثُمَّ رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ α إِلَى مَنَزِلِهِ وَوَقَعَتْ زَيْنَبُ فِي قَلْبِهِ مَوْعِعًا عَجِيبًا، وَجَاءَ زَيْدٌ إِلَى مَنَزِلِهِ فَأَخْبَرَتْهُ زَيْنَبُ بِمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ α فَقَالَ لَهَا زَيْدُ: هَلْ لَكَ أَنْ أُطَلِّقَكَ حَتَّى يَتَزَوَّجَكَ رَسُولُ اللَّهِ α فَلَعَلَّكَ قَدْ وَقَعْتَ فِي قَلْبِهِ فَقَالَتْ: أَخْشَى أَنْ تُطَلِّقَنِي وَلَا يَتَزَوَّجَنِي رَسُولُ اللَّهِ α فَجَاءَ زَيْدٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ α فَقَالَ: يَا أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبَرْتَنِي زَيْنَبُ بِكَذَا وَكَذَا فَهَلْ لَكَ أَنْ أُطَلِّقَهَا حَتَّى تَتَزَوَّجَهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لَا، اذْهَبِ فَاتَّقِي اللَّهَ وَامْسِكِ عَلَيْكَ زَوْجَكَ، ثُمَّ حَكَى اللَّهُ فَقَالَ: «أَمْسِكِ عَلَيْكَ زَوْجَكَ...» و اهل سنت، برپایه رهیافت‌ها و برداشت‌های نادرست مفسران از عبارت «وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ» در این آیه است. این مسائل از اموری است که با شخصیت اخلاقی و معنوی پیامبر اکرم α و حتی با اخلاق یک انسان عادی منافات دارد؛ زیرا اگر حضرت رغبتی به ازدواج با زینب داشت، از ابتدا این امر بر ایشان ممکن بود؛ چرا که زینب دختر عمه پیامبر بود (فضل الله، من وحی القرآن، ۱۴۱۹: ۳۱۶/۱۸ — ۳۱۷) و همراه پیامبر از مکه به مدینه هجرت کرده بود (ابن



سعد، الطبقات الكبرى، بی تا: ۱۰۱/۸). بنابراین، این مطالب قطعاً با عصمت و اصول اخلاقی پیامبر α مخالف است و مرحوم سید مرتضی از این دسته اخبار و روایات و نقل ها به روایات خبیثه یاد می کند (علم الهدی، تنزیه الأنبياء، ۱۴۰۹: ۱۱۱).

۲. ابن کثیر و طنطاوی هم قضیه عاشق شدن پیامبر به زینب را بی دلیل و ناصحیح می دانند (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظيم، ۱۴۱۹: ۳۷۸/۶؛ طنطاوی، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ۱۹۹۷: ۲۱۴/۱۱).

۳. علامه طباطبایی گفته است خداوند بر پیامبر واجب کرده بوده که باید با همسر زید، پسر خوانده اش ازدواج کند، تا به این وسیله همه بفهمند که همسر پسر خوانده محرم انسان نیست، و سایر مسلمانان نیز می توانند با همسر پسر خوانده هایشان ازدواج کنند. رسول خدا α هم وجوب این عمل را در دل پنهان می داشت. از تعبیر «فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاهَا» هم به دست می آید که گویی ازدواج با زینب از اراده و اختیار رسول خدا α خارج بوده و خدا اینکار را کرده است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۴۸۳/۱۶).

۴. از سوی دیگر در مقابل این سبب نزول، تفسیر دیگری از امام سجاده نقل شده که در آن شأن پیامبر α از هرگونه نگاه و پندار بی اساس و ناروا حفظ شده است: «علی بن محمد بن جهم در یک مجلس مناظره که مأمون با حضور فرقه های مسلمان و غیر مسلمان ترتیب داده بود، از امام رضا دربار چگونگی سازگاری عبارت «وتخفی فی نفسک ما الله مبدیه» با عصمت حضرت رسول α پرسید و ایشان پاسخ فرمود: خداوند نام همسران پیامبر α در دنیا و آخرت را به ایشان اعلام کرده بود. از آن جمله زینب بنت جحش بود که در آن هنگام همسر زید بن حارثه بود. رسول الله نام او را آشکار نکرد تا منافقان نگویند او زنی را ام المؤمنین و یکی از همسرانش می خواند که در خانه مردی دیگری است و از این گفتار منافقان می ترسد که خداوند نازل فرمود: «و تخشی الناس و الله احق ان تخشاه» (ابن بابویه، الأمالی، ۱۴۱۷: ۱۵۳؛ ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۱۴۰۴: ۱۷۰/۱). طبرسی در تأیید این روایت امام سجاده می نویسد: «این تأویل با سیاق آیه هماهنگ است؛ چرا که خداوند سبحان اعلام کرد آنچه را پیامبر α پنهان می کند آشکار می کند» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۵۶۴/۸).

۲. گزارش سبب نزول مربوط به عایشه در ماجرای افک

آیات ۱۱ به بعد سوره نور بیانگر جریانی است که به آن افک گفته می شود: Π إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْأَفْكِ عَصَبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ O؛ «در حقیقت، کسانی که آن بهتان [داستان افک] را [در میان] آوردند،

دسته‌ای از شما بودند. آن [تهمت] را شری برای خود تصور نکنید؛ بلکه برای شما در آن مصلحتی [بوده] است. برای هر مردی از آنان [که در این کار دست داشته] همان گناهی است که مرتکب شده است، و آن کس از ایشان که قسمت عمده آن را به گردن گرفته است عذابی سخت خواهد داشت». طبق گزارش قرآن، در این آیات یک زن شوهردار مورد تهمت یک گروه قرار گرفته است. خانم باربارا می‌گوید که گفته شده است که سبب نزول آیات ۱۱-۲۶ سوره نور درگیری عایشه در ماجرای افک بوده و در ادامه اضافه می‌کند که نزول این آیات بی‌گناهی عایشه را ثابت می‌کند (مک اولیف، دایرةالمعارف قرآن، ۱۳۹۷: ۵/۴۹۸). سبب نزول آن این بوده که رسول خدا در غزه بنی‌المصطلق عایشه را با خود برد، رسول خدا هر وقت می‌خواست یکی از زنان را در غزه‌ای با خود ببرد، بین آنان قرعه می‌انداخت. پس از بازگشت از آن غزه هنگامی که نزدیک مدینه رسیدند و اجازه حرکت داده شد عایشه بلند شد و راه رفت تا از لشکر جلو افتاد، وقتی قضای حاجت نمود و کارش را تمام کرد به سوی کاروان حرکت کرد، پس دست به سینه‌اش زد، دید که گردن‌بندش نیست، جهت پیدا کردن گردن‌بندش دوباره برگشت و در طلب گردن‌بند مقداری معطل شد، جماعتی هم کجاوه عایشه را حمل می‌کردند آمدند و کجاوه او را به دوش گرفتند و حرکت کردند و گمان می‌کردند که عایشه گردن‌بندش را پیدا کرده و داخل کجاوه نشسته است، ولی وقتی عایشه به محل فرود لشکر رسید هیچ کس را آنجا ندید، نه صداکننده و نه خواب‌دهنده‌ای پس در همان منزلی که قبلاً بود همان‌جا ماند به گمان اینکه جماعت خودشان می‌فهمند که عایشه را گم کرده‌اند. از سوی دیگر صفوان بن معطل سلمی از پشت سر لشکر عایشه آمد و شب را در همان منزل به صبح رسانید و عایشه را شناخت، از شترش فرود آمد و عایشه را سوار کرد تا پیش لشکر آمدند و پس از این قضیه منافقین تهمت‌ها در حق عایشه گفتند، پس خدا این آیات را جهت تبرئه عایشه نازل کرد (بیضاوی، انوار التنزیل، ۱۴۱۸: ۴/۱۰۰). البته این شأن نزول در بعضی از منابع تفسیری شیعه هم گزارش شده است (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۷/۴۱۵؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۷/۲۰۶).

در خصوص نزول آیه افک در شأن عایشه که در منابع اهل سنت و بعضی از منابع شیعه گزارش شده است، نقدهای ذیل مطرح می‌شود:

۱. نزول این آیات به عقیده کلیه مفسران و مورخان در سال نهم هجری بود (واقدی، مغازی، ۱۳۶۹: ۳۲۴-۳۱۸) درحالی‌که غزه بنی‌المصطلق در سال ششم هجری (طبری، تاریخ الطبری، ۱۳۶۸: ۳/۹۳۱) به وقوع پیوسته است.

۲. مهمترین دلیل مخدوش بودن این شأن نزول این است که با شأن و منزلت پیامبر در تعارض بوده و سیره الهی ایشان را لکه‌دار می‌سازد؛ زیرا در این اخبار، سوءظن پیامبر به عایشه گزارش شده و



آن حضرت تحت تأثیر یک شایعه نادرست قرار گرفته که با مقام عصمت آن حضرت منافات دارد. علامه شعرانی می نویسد: روایتی که از عایشه نقل شده که پیغمبر α در کار او تردید کرد و از اسامه و علی بن ابی طالب نظر خواست و حضرت علی γ جوابی داد که عایشه نپذیرفت تا خداوند این آیات را نازل کرد و سوءظن پیامبر به نیکی تبدیل شد، به نظر صحیح نمی رسد، چون اگر وظیفه مؤمنین تکذیب بود، پیامبر α و علی γ به تکذیب اولی بودند (شعرانی، پژوهش های قرآنی، ۱۳۸۶: ۹۲۵/۲).

۳. از سوی دیگر روایت افک را تنها عایشه نقل کرده و لذا قابل اعتماد نیست. همچنین عایشه در ماجرای افک نقل کرده که چون لاغر و سبک بودم، وقتی هودج را برداشتند متوجه نشدند که من در آن نیستم و جامانده ام. لذا این مطلب که نگهبانان هودج عایشه، هنگام بستن آن بر شتر نفهمند که عایشه در آن نیست بسیار بعید به نظر می رسد و پذیرفتن آن مشکل است. علاوه بر این موارد، به نظر می رسد قرائن و سیاق موجود در خود آیات مربوط به افک فقط دلالت دارد بر اینکه گروهی، شخص بی گناهی را متهم به عمل منافی عفت کرده بودند و این شایعه در جامعه پخش شده بود، بدون اینکه مصداق مشخصی را معرفی کنند.

۳. تصریح اسم عایشه در تبیین آیات مربوط به مخیر کردن همسران پیامبر

با دقت در آیات II یَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ إِن كُنْتُمْ تَرْضُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زَيِّنْتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتَّكُمْ وَأَسْرَحَكُمْ سَرَاحًا جَمِيلًا * وَإِنْ كُنْتُمْ تَرْضُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنِينَ مِنْكُمْ أَجْرًا عَظِيمًا؛ (ای پیامبر، به همسرانت بگو: «اگر خواهان زندگی دنیا و زینت آنید، بیایید تا مهترتان را بدهم و [خوش و] خُرَم شما را رها کنم. و اگر خواستار خدا و فرستاده وی و سرای آخرتید، پس به راستی خدا برای نیکوکاران شما پاداش بزرگی آماده گردانیده است») (احزاب/ ۲۸ - ۲۹) به دست می آید که این آیات در پی برخی ناهنجاری های سرزده از برخی زنان پیامبر نازل شده و در مورد سرزنش و عتاب آن زنان است. خانم باربارا فریر استوارس در شرح و توضیح آیات فوق، تصریح کرده است که «عایشه اولین همسری بود که به سرعت و بدون مشورت با پدر و مادرش رسول خدا را انتخاب کرد و پیامبر هم خوشحال شد» (مک اولیف، دایرةالمعارف قرآن، ۱۳۹۷: ۴۹۹/۵)، ولی جزئیاتی از وقوع این شأن نزول ذکر نکرده است.

نقد: ۱. در منابع اهل سنت روایات متعددی آمده است که مشکل از عایشه و حفصه شروع شد و و ابوبکر و عمر آنها را به شدت به خاطر برخوردشان با پیامبر α مواخذه کردند. ابن کثیر در ذیل این آیات، از ابی الزبیر از جابر روایت کرده است: درحالی که مردم مقابل خانه پیامبر α نشسته بودند، ابوبکر و عمر آمدند و اجازه ورود خواستند. نخست به آنان اجازه داده نشد؛ پس از این که اجازه یافتند و داخل

شدند مشاهده کردند آن حضرت نشسته و زنان ایشان هم دور حضرت نشسته‌اند و آن حضرت ساکت بودند. عمر به این انگیزه که پیامبر را بخنداند، گفت: یا رسول الله! اگر می‌دید که دختر زید از من درخواست نفقه کرد من چگونه وی را زدم. پیامبر خندیدند به گونه‌ای که دندان‌های مبارکشان ظاهر شد. پیامبر فرمود: آنان (همسران من) اطراف من قرار گرفته، نفقه از من درخواست می‌کنند. آنگاه ابوبکر برخاست و به سوی عایشه حرکت کرد تا او را بزند و عمر نیز برخاست و هر دو به دختران خویش می‌گفتند: شما از پیامبر درخواست چیزی که نزد وی نیست، می‌نمایید؟ حضرت آنان را (از زدن) نهی کرد. در پی این ماجرا زنان آن حضرت گفتند: ما بعد از این مجلس از پیامبر چیزی را که نداشته باشد درخواست نمی‌کنیم. خداوند متعال آیات مذکور را که دربردارنده حکم تخییر زنان آن حضرت نسبت به بقای بر زوجیت آن حضرت و یا رها ساختن آنان بود، نازل کرد (ابن‌کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹: ۳۶۱/۶). طبری از مفسران اهل سنت در تفسیر خود روایتی نقل می‌کند که این آیه به خاطر درخواست عایشه از پیامبر برای متاع دنیوی یا زیاد نمودن نفقه نازل شده است (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۹۹/۲۱). در آن روایات آمده که وقتی این آیه نازل شد و پیامبر آن را بر زنان خود خواند، در میان همه آنها، به عایشه گفت که قبل از اینکه تصمیم‌گیری با پدر و مادرت مشورت کن، ولی عایشه گفت که نیازی به مشورت نیست (زمخشری، کشاف، ۱۴۰۷: ۵۳۴/۳؛ ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰: ۲۳۶/۲۱).

۲. در خود کتب اهل سنت، روایت مستقلى نقل شده است که غیر از حمیراء (لقب عایشه) همگی ماندن با پیامبر را ترجیح دادند (سیوطی، الدر المنثور، ۱۴۰۴: ۱۹۵/۵؛ ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹: ۳۱۲۸/۹).

۳. بنا بر نقلی معتبر، نخستین کسی که برخاست و انتخاب خود را اعلام کرد، ام‌سلمه بود. علی‌بن‌ابراهیم گزارش کرده که شأن نزول این آیه، این است که چون رسول خدا از غزوه خیبر بازگشت و بر غنایم آل ابوحقیق دست یافت، همسران پیامبر به او گفتند: «غنایمی را که به دست آوردی به ما بده». رسول خدا به آنان فرمود: «آن را میان مسلمانان بر طبق آنچه که خداوند امر فرموده تقسیم کرده‌ام». زنان پیامبر از این گفته خشمگین شدند و گفتند: «آیا تو گمان می‌کنی که اگر ما را طلاق دهی، هم‌طرازانی از قوم خود نمی‌یابیم تا با ما ازدواج کنند؟! خداوند، به خاطر گفته آنان، خشمگین شد و به پیامبر امر فرمود تا از آن‌ها کناره‌گیری کند. پس رسول خدا در خانه ام‌ابراهیم ماند و از آن‌ها کناره‌گیری کرد تا اینکه آن‌ها خون حیض دیدند و از آن پاک شدند. سپس خداوند، این آیه را که آیه تخییر است، نازل کرد و فرمود: Π يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكِ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَّ أُمَتِّعْكُنَّ



پس اولین نفر اُم سلمه بود که برخاست و گفت: «خدا و رسولش را برگزیدم. پس از او زنان پیامبر همگی برخاستند و پیامبر را در آغوش گرفتند و جمله اُم سلمه را تکرار کردند. (قمی، تفسیر القمی، ۱۳۶۷: ۱۹۲/۲؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۹: ۴/۴۴۰).

۴. لحن آیات عتاب آمیز و نوعی تهدید است و خداوند با لحنی عتاب آمیز با زنان پیامبر α سخن گفته است؛ زیرا آنها سبب نزول این آیات شده اند. بنابراین بر اساس این آیات ممکن است کسی حتی همسر پیامبر α باشد؛ اما به قدری چشمش دنبال دنیا باشد و به پیامبر فشار آورد که خدا به پیامبرش دستور دهد به همسرش بگوید که یا پیامبر را انتخاب کند و یا دنیا را.

۴. گزارش روایات موضع عمر در سبب نزول آیه حجاب

مؤلف مقاله متذکر می شود که از نظر برخی مفسران سده های میانه متأخر، مثل بیضاوی و ابن کثیر، حساسیت عمر نسبت به خیرخواهی در حق زنان پیامبر به عنوان شأن نزول آیه ۵۳ سوره احزاب II یائیهَا الَّذِینَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ اِلَّا اَنْ یُؤْذَنَ لَکُمْ اِلَی طَعَامٍ غَیْرِ نَظَرٍ اِنَّهٗ وَ لَکِنْ اِذَا دُعِیْتُمْ فَادْخُلُوْا فَاِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوْا وَ لَا مُسْتَنْسِیْنَ لِحَدِیْثٍ اِنَّ ذٰلِکُمْ كَانَ یُؤْذِی النَّبِیَّ فِیْ سِتْحٰی مِنْکُمْ وَ اللّٰهُ لَا یَسْتَحِیْ مِنَ الْحَقِّ وَ اِذَا سَأَلْتُمُوْهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوْهُنَّ مِنْ وَّرَآءِ حِجَابٍ O؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، داخل اتاق های پیامبر مشوید، مگر آنکه برای [خوردن] طعامی به شما اجازه داده شود، [آن هم] بی آنکه در انتظار پخته شدن آن باشید؛ ولی هنگامی که دعوت شدید داخل گردید، و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید بی آنکه سرگرم سخنی گردید. این [رفتار] شما پیامبر را می رنجاند و [لی] از شما شرم می دارد، و حال آنکه خدا از حق [گویی] شرم نمی کند، و چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید». اهمیت بیشتری نسبت به شأن نزول آزردگی پیامبر از مهمانانی که در شب عروسی به مدت طولانی در خانه زینب ماندند، دارد (مک اولیف، دایرةالمعارف قرآن، ۱۳۹۷: ۴۹۸/۵-۴۹۹). در متون تفسیری شیعه تنها یک سبب نزول برای آیه گزارش شده است: «پیامبر اکرم α با زینب دختر جحش ازدواج کرد آن حضرت زینب را دوست می داشت. به مناسبت این ازدواج رسول اسلام ولیمه ای تدارک دید و عده ای را دعوت کرد. مهمانان پس از صرف غذا به گفتگو نشستند. پیامبر که مایل بود با زینب تنها باشد، از این وضعیت ناراحت بود تا اینکه آیه فوق نازل شد» (قمی، تفسیر القمی، ۱۳۶۳: ۱۹۵/۲؛ فیض کا شانی، تفسیر الصافی، ۱۴۱۵: ۴/۱۹۹)؛ اما در منابع اهل سنت در علل نزول آیه ۵۳ احزاب نقل شده، چند گونه خبر و روایت تاریخی نقل شده است که یکی از آنها روایتی است که سبب نزول این آیه را بر پیامبر α به اذن خلیفه دوم می داند و نویسنده مدخل «همسران پیامبر» همین سبب را ترجیح داده است. این روایت به نقل از انس بن مالک آورده شده است: «مسدد عن یحیی عن حمید عن أنس بن

مالک قال: قال عمر بن الخطاب: يا رسول الله يدخل عليك البر والفاجر، فلو أمرت أمهات المؤمنين بالحجاب، فأنزل الله آية الحجاب؛ حميد نقل می‌کند که انس بن مالک می‌گوید: عمر گفت: گفتیم یا رسول الله! انسان‌های نیک و بد بر تو وارد می‌شوند، کاش همسران را دستور به حجاب می‌دادی. پس خداوند آیه حجاب را نازل کرد» (بیضاوی، انوار التنزیل، ۱۴۱۸: ۴/۲۳۷؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹: ۱/۲۹۲؛ بغوی، معالم التنزیل، ۱۴۲۰: ۱/۱۶۴).

نقد: ۱. سبب نزول یاد شده در صورتی قابل استناد است که درستی سند آن اثبات شود. گروهی گفته‌اند که «حمید» در نقل از «انس بن مالک» اهل تدلیس بوده (ابن سعد، الطبقات الکبری، بی‌تا: ۲۵۲/۷؛ ابن حجر، مقدمه فتح الباری، ۱۴۰۸: ۳۹۷)؛ و روایاتش در این حوزه قابل پذیرش نیست. بنابراین روایت از جهت سندی ضعیف و غیر معتبر است.

۲. آیا می‌توان پذیرفت که مسئله حجاب، مورد غفلت پیامبر α قرار گرفته و خلیفه دوم به پیامبر آموزش داده است؟ در حالی که پیامبر به تذکر مسئله حجاب به زنان خود اولی‌تر و مقدم بوده است. این اخبار فقط اثبات نوعی برتری برای خلیفه دوم است و اینکه اگر پیامبر نعوذ بالله اشتباه هم کند، او اشتباه نمی‌کند.

۵. تصریح نکردن به اسامی دو زن در تبیین آیات ۱ تا ۵ سوره تحریم

در آیات نخست سوره تحریم به صورت غیر صریح اعتراضاتی نسبت به دوتن از همسران پیامبر α II إِنَّ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (تحریم/۴) به میان آمده است. به نظر می‌رسد کل سوره یک مجموعه معنایی پیوسته است. عتاب بر همسران در آغاز و هم در نمونه‌های پایانی سوره، برای تبیین این نکته است که هیچ ارتباط زوجیت و نسبت اعتباری، نمی‌تواند موجب فضیلت گردد، خانم باربارا که معمولاً بر اساس شأن نزول‌ها آیات را شرح می‌دهد؛ در تبیین این آیات که مربوط به دوتن از همسران پیامبر است، هیچ اسمی را ذکر نکرده و به صورت خیلی کوتاه این آیات را بیان کرده است (مک اولیف، دایرة المعارف قرآن، ۱۳۹۷: ۵/۵۰۰). در حالی که بر طبق تفاسیر شیعه و اهل سنت، این دو زن حفصه و عایشه بودند (مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل، ۱۴۲۳: ۴/۳۷۵؛ قمی، تفسیر القمی، ۱۳۶۷: ۲/۳۷۵ — ۳۷۶؛ طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۱۰۱/۲۸). حتی در مهم‌ترین کتاب‌های اهل سنت یعنی صحیح بخاری («اردت ان اسأل عمر فقلت: يا امير المؤمنين من المرأتان اللتان تظاهرتا على رسول الله α؟ فما اتممت كلامي حتى قال: عایشه و حفصه» (بخاری، صحیح البخاری، ۱۴۰۱: ۷۰/۶)). و صحیح مسلم هم مصداق این آیات، عایشه و حفصه معرفی شده‌اند. در تفسیر طبری که یکی از منابع مورد استناد خانم باربارا فریر استواسر در این مقاله است، آمده است: ضحاک نقل می‌کند که پیامبر همسر جوانی



داشت؛ پس نزد او رفت و حفصه او را دید، در حالی که آن روز نوبت عایشه بود و عایشه و حفصه با هم، هم‌پیمان بودند، پس پیامبر به حفصه فرمود: این قضیه را کتمان کن و آنچه را که دیدی به عایشه نگو؛ اما حفصه این قضیه را برای عایشه تعریف کرد؛ پس عایشه عصبانی شد و به پیامبر اشکال می‌گرفت تا این که پیامبر قسم خورد هرگز نزد آن همسر جوانش نرود، پس خداوند این آیه را نازل کرد و به پیامبر دستور داد که کفاره قسم بدهد و نزد آن زن برود (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۱۰۱/۲۸). در تفسیر کشاف هم روایت غسل خوردن پیامبر در منزل زینب بنت جحش و توطئه عایشه و حفصه بر این که بوی مغفیر از دهان پیامبر می‌آید و سوگند پیامبر بر غسل نخوردن به عنوان شأن نزول آیات نخست سوره تحریم بیان شده است (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۵۶۳/۴).

نقد: ۱. از این روایات روشن می‌شود که این آیات در حق عایشه و حفصه نازل شده است و این دو نفر قصد اذیت و آزار پیامبر را داشتند، هرچند که در جزئیات مسئله اختلاف‌هایی در این گزارش‌ها مشاهده می‌شود.

۲. همچنین رابطه همسری با پیامبر α ، باعث نمی‌شود که همسران پیامبر از خطا و اشتباه معصوم باشند. همان طور که خداوند، در قسمت پایانی سوره تحریم، همسران حضرت نوح و لوط را، نمونه‌ای از افراد ناسپاسی معرفی کرد که رابطه همسری با پیامبران، توانست کمکی برای آن دو زن باشد و به آنان گفته شد که به همراه دیگر کافران، وارد جهنم شوند. سمرقندی در تفسیر بحرالعلوم می‌نویسد: $\text{وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ} \text{O}$ (تحریم/۴) اگر با کمک همدیگر رسول خدا را اذیت یا نافرمانی کنید، در این صورت داستان شما همانند داستان همسر نوح و لوط خواهد بود که با اعمالشان پیامبر خدا را اذیت می‌کردند (سمرقندی، بحرالعلوم، ۱۴۱۶: ۴۶۸/۳).

۳. قرطبی هم می‌نویسد: عبارت $\text{ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا} \text{O}$ (تحریم/۱۰) مثلی است که خداوند به منظور ترساندن عائشه و حفصه نازل کرده است، در آن هنگام که مخالفت کردند و علیه رسول خدا هم‌پیمان شدند (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۲۰۲/۱۸).

۶. تبیین نکردن آیه ۵۱ سوره احزاب

خانم باربارا که در بخش آیات مربوط به همسران پیامبر α درصدد تبیین و شرح آیات با استناد به اخبار و روایات است، آیه ۵۱ سوره احزاب را مجمل بیان کرده و وارد آیات بعدی شده است (مک اولیف، دایرةالمعارف قرآن، ۱۳۹۷: ۵۰۱/۵). ابن کثیر در کتاب تفسیر القرآن العظیم خود - که از منابع مورد استناد خانم باربارا است - نوشته است: وقتی آیه ۵۱ سوره احزاب $\text{أَتُرْجَى مِّن تَشَاءَ مِنْهُنَّ وَتُؤَى إِلَيْكَ مَن تَشَاءُ} \text{O}$ و $\text{مِنْ ابْتِغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ} \text{O}$ ؛ «نوبت هرکدام از آن زن‌ها را که می‌خواهی

به تأخیر انداز و هر کدام را که می‌خواهی پیش خود جای ده، و بر تو باکی نیست که هر کدام را که ترک کرده‌ای [دوباره] طلب کنی» نازل شد، عایشه به پیامبر خدا گفت: «ما أَرَىٰ رَبِّكَ إِلَّا يَسَارِعُ فِي هَوَاك؛ پروردگار تو را ندیدم، مگر اینکه در راه هوا و هوس تو می‌شتابد» (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۳۹۴/۶). این روایت در اکثر کتب روایی و تفسیری اهل سنت هم گزارش شده است (ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ۴۱۹: ۳۱۴۵/۱۰؛ سیوطی، الدر المنثور، ۱۴۰۴: ۲۱۱/۵). این تعبیر نشان می‌دهد که عایشه به رسول خدا نسبت هوای نفس می‌دهد. در حالی که این امر به صراحت در قرآن نفی شده است: *وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ* (نجم/۳-۴). همچنین این جمله در حقیقت اعتراض به خداوند است و از جمله «ما أَرَىٰ رَبِّكَ» استفاده می‌شود که او به این حکم خداوند را ضعیف نموده است.

۷. گزارش منسوخ بودن آیه ۵۲ احزاب

خداوند در آیه ۵۰ سوره احزاب *إِنَّا أَخْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الَّتِي ءَاتَيْتَ أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمَّتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَلَّتِكَ الَّتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا* شش طایفه و گروه از زنان را بر پیامبر اسلام α حلال کرد و اجازه ازدواج داد که آن شش گروه عبارتند از: ۱. زنانی که مهرهای آنها را داده است؛ ۲. دخترعموهای آن حضرت؛ ۳. دخترعمه‌هایش؛ ۴. دختران دایی؛ ۵. دخترخاله‌هایی که با او مهاجرت کردند؛ ۶. و زنی که خودش را به او بخشیده است. سپس در آیه ۵۲ همین سوره فرمود: *لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَغْبَجَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَّقِيبًا*. بعد از این زنان، هیچ زنی بر تو حلال نیست و نیز زنی به جای ایشان اختیار کردن، هر چند تو را از زیبایی او خوش آید، مگر آنچه به غنیمت به دست تو افتد. و خدا مراقب هر چیزی است. با نگاه به اخبار تاریخی روشن می‌شود که اصولاً ازدواج‌های پیامبر بر اساس مصالحی خاص و به عنوان مأموریت الهی صورت گرفته است؛ زیرا پیامبر اکرم در همه امور زندگی خود کاملاً مطیع وحی الهی بود. چنانکه با نزول آیه ۵۲ سوره احزاب، این گونه ازدواج‌های مصلحتی پایان یافت و پیامبر از ازدواج ممنوع شد. اینکه مؤلف منسوخ بودن آیه ۵۲ را با آیه *ثُمَّ جِيءَ مِنْ تَشَاءٍ مِنْهُنَّ وَتَوَىٰ إِلَيْكَ مِنَ تَشَاءٍ وَمِنْ ابْتِغَاءٍ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَّ وَيَرْضَيْنَ بِمَا ءَاتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا* (احزاب/۵۱). متذکر شده است تا آزادی کامل پیامبر را در روابط با زنان و ازدواج نتیجه بگیرد (مک اولیف،



دایرةالمعارف قرآن، ۱۳۹۷: ۵۰۱/۵؛ صحیح به نظر نمی رسد؛ زیرا اولاً گروهی گفته اند نسخ خلاف اصل است و منظور آیه این است همان گونه که امت تو را در ازدواج دائم در عدد چهار متوقف کرده ایم، شما را نیز در ازدواج دایم در عدد نه و به همین نه نفر محدود و متوقف می کنم، به عبارت دیگر، زیاده از این نه نفر موجود نمی توانی زن بگیری، مگر خریدن کنیزان (اشکوری، تفسیر شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۶۵۱/۳؛ مغنیه، تفسیر کا شف، ۱۴۲۴: ۳۸۱/۶). بعضی هم گفته اند که ظاهر تعبیر «مِنْ بَعْدُ» این است که بعد از این، ازدواج مجدد برای تو حرام است، بنابراین «بعد» یا به معنای بعد زمانی است؛ یعنی بعد از این زمان دیگر همسری انتخاب مکن، یا بعد از آنکه همسرانت را طبق فرمان الهی در آیات گذشته مخیر در میان زندگی ساده در خانه تو و یا جدا شدن کردی و آنها با میل و رغبت ترجیح دادند که به هم سری با تو ادامه دهند، دیگر بعد از آنها نباید با زن دیگری ازدواج کنی. و نیز نمی توانی بعضی از آنها را طلاق داده، و همسر دیگری به جای او برگزینی، به تعبیر دیگر نه بر تعداد آنها بیفزای و نه افراد موجود را عوض کن (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۹۱/۱۷). ثانیاً انگیزه های ازدواج حضرت، نه از سر تمایلات جنسی و خوشگذرانی، بلکه اساساً بر طبق دستور الهی و بر پایه مصالح و مقتضیات اسلام در آن مقطع زمانی صورت گرفته بود. بنابراین منظور آیه این است که آن مصلحت که تاکنون تو را مجاز می کرد که در رابطه با زنها آزاد باشی اکنون دوران آن مقتضیات و مصالح تمام شده است و تو هم باید در معاشرت با زنها محدود باشی (عاملی، تفسیر عاملی، ۱۳۶۰: ۷ و ۱۸۷)؛ زیرا طبق شواهدی که از تواریخ استفاده می شود پیامبر اسلام α از ناحیه افراد و قبائل مختلف تحت فشار بود که از آنها همسر بگیرد، و هریک از قبائل مسلمان افتخار می کردند که زنی از آنها به همسری پیامبر α در آید (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۳۹۱/۱۷).

۸. عدم شمول و جامعیت منابع

از جمله ضعف های عمده مقاله، عدم شمول و جامعیت آن در منابع قدیم و جدید اسلامی است. منابع کهن مؤلف تنها شامل منابع تاریخی و تفاسیر روایی اهل سنت چون طبقات ابن سعد، تفسیر طبری، زمخشری، بیضاوی و ابن کثیر می شود (مک اولیف، دایرةالمعارف قرآن، ۱۳۹۷: ۵۱۰/۵). همچنین مؤلف در رجوع به منابع جدید، بیشتر از نویسندگان مصری مانند کتاب عایشه بنت الشاطی، کتاب «عبقریه» عباس محمود عقاد و کتاب «نساء فی حیاة الانبیاء» مامون غریب بهره برده است (همان). وی از هیچ یک از مفسران قدیم و جدید شیعی نامی نمی برد. لذا دیدگاه های متأخر نویسندگان شیعه، همگی در این مقاله مغفول مانده اند.

نتیجه

در نگاه کلی خانم باربارا فریر استواسر با استناد به منابع تاریخی و حدیثی اهل سنت این نگاه را به مخاطب مدخل القا می‌کند که بالاترین جایگاه در بین همسران پیامبر را به عایشه دختر ابوبکر اختصاص دارد. وی با استناد به شان نزول‌ها و گزارش‌های تاریخی مطالبی را ذکر کرده که با ساحت پیامبر و تاریخ قطعی‌نا سازگاری دارد. آنچه در این مقاله قابل انتقاد است، این است که نگارنده مقاله، اخبار و روایاتی را از رفتار و برخوردهای روزمره پیامبر با همسرانش گزارش داده که عصمت آن حضرت را مخدوش و تخریب کرده است. البته بعضی از این اخبار در منابع شیعی هم وارد شده و مفسران شیعه هم در تفاسیر خود، آنها را نقل کرده‌اند که باید اعتبارسنجی بشوند. خانم باربارا با طرح موضوعات تعداد همسران پیامبر و آیات مربوط به همسران آن حضرت از قبیل ازدواج پیامبر با زینب بنت جحش، شان نزول آیه افک و آیه حجاب، منسوخ دانستن آیه توقف ازدواج‌های پیامبر، اموری را مطرح کرده تا ارتکاب اشتباه و غفلت برای پیامبر را امری معقول توجیه کند. او شان نزول آیات مربوط به همسران پیامبر را ظاهراً از تفاسیر طبری، بیضاوی و ابن‌کثیر بیان کرده و به صورت مکرر اخباری را در محبوب‌تر بودن عایشه نزد رسول خدا گزارش کرده است. درحالی‌که آیات قرآن، صرف همسری را شرافت و فضیلت برتری زنان پیامبر نمی‌داند و ام‌المومنین خواندن آنها در آیه سوره احزاب فقط بیانگر حرمت نکاح با آنها است. افزون بر اینکه نقل این اخبار از منابع اهل سنت بدون بررسی سندی و محتوایی این برداشت را به مخاطب این مدخل می‌دهد که پیامبر^ص به‌عنوان رهبر و حاکم جامعه اسلامی در مقایسه با دیگران نسبت به موضوعات مهم، بی‌تفاوت و غافل است.



منابع

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، چاپ سوم، مکتبه نزار مصطفی الباز، ریاض: ۱۴۱۹ ق.
۲. ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی، الأمالی، مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسة البعثة، قم: ۱۴۱۷ ق.
۳. ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی، الخصال، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، قم: بی تا.
۴. —، عیون أخبار الرضا علیه السلام، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت: ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن حجر، احمد بن علی، مقدمة فتح الباری، دار إحياء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۸ - ۱۹۸۸ م.
۶. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، دار صادر، بیروت: بی تا.
۷. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، مؤسسة التاریخ العربی، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، بیروت: ۱۴۱۹ ق.
۹. اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، دفتر نشر داد، تهران: ۱۳۷۳ ش.
۱۰. آلبنی، محمد ناصر، إرواء الغلیل، المکتب الإسلامی، بیروت: چاپ الثانية، ۱۴۰۵ - ۱۹۸۵ م.
۱۱. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران: ۱۴۱۶ ق.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، دارالفکر، بیروت: ۱۴۰۱ ق.
۱۳. بغوی، حسین بن مسعود، تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۱۴. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، دار إحياء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۸ ق.
۱۵. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، دار الکتب العربی، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، دارالفکر، بیروت: ۱۴۱۶ ق.
۱۷. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴ ق.
۱۸. شعرانی، ابوالحسن، پژوهش های قرآنی علامه شعرانی در تفاسیر مجمع البیان، روح الجنان و منهج الصادقین، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی، جامعه مدر سین حوزه علمیه قم: دفتر انتشارات اسلامی، قم: چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران: ۱۳۷۲ ش.

۲۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، اساطیر، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۶۸ ش.
۲۲. —، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، دار المعرفة، بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۲۳. طنطاوی، محمد سید، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، نهضة مصر، قاهره: ۱۹۹۷ م
۲۴. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، کتابفروشی صدوق، تهران: ۱۳۶۰ ش.
۲۵. علم الهدی، علی بن حسین، تنزیه الانبیاء علیهم السلام، دار الأضواء، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
۲۶. فاضل هندی، بهاء الدین، کشف اللثام، نشرات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم: ۱۴۰۵ ق.
۲۷. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، دارالملاک، بیروت: ۱۴۱۹ ق.
۲۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، مکتبه الصدر، تهران: چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۲۹. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ناصر خسرو، تهران: ۱۳۶۴ ش.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، دارالکتاب، قم: چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
۳۱. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، مؤسسة الرسالة، بیروت: ۱۴۰۹ ق.
۳۲. مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، دار الکتاب الاسلامی، قم: ۱۴۲۴ ق.
۳۳. مقاتل بن سلیمان، دار إحياء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۳ ق.
۳۴. مک اولیف، دایرة المعارف قرآن، ترجمه گروهی از مترجمان، انتشارات حکمت، تهران: ۱۳۹۷ ش.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، دارالکتاب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۳۶. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دارالکتب الاسلامیه، تهران: چاپ دوم، ۱۳۶۶ ش.
۳۷. واقدی، محمد بن عمر، مغازی تاریخ جنگ های پیامبر α. محمود مهدوی دامغانی. مرکز نشر دانشگاهی. تهران: چاپ دوم، ۱۳۶۹.
۳۸. Stowasser, Barbara Freyer, "Wives of the Prophet", in: Encyclopaedia of the Qur'ān, General Editor: Jane Dammen McAuliffe, Georgetown University, Washington DC. Consulted online on ۲۰ April ۲۰۲۱ http://dx.doi.org/۱۰.۱۱۶۳/۱۸۷۵-۳۹۲۲_q۳_EQCOM_۰۰۲۱۹.
۳۹. <https://www.jstor.org/stable/۴۱۹۴۰۹۲۴>. journal article: Barbara Regine Freyer Stowasser ۱۹۳۵-۲۰۱۲. Karin Christina Ryding. Review of Middle East Studies



Resources

۱. Alam al-Huda, Ali bin Hossein, *Tanzeeh al-Anbiya*, Dar al-Azwa', Beirut, Second Edition, ۱۴۰۹ A.H.
۲. Albani, Mohammad Naser, *Erwa al-Ghalil*, Al-Maktab al-Islami, Beirut, Second Edition, ۱۴۰۵ A.H./۱۹۸۵ A.D.
۳. Amili, Ibrahim, *Tafsir Amili*, Sadouq Bookshop, Tehran, First Edition, ۱۹۸۱.
۴. Baghawi, Hussain bin Masoud, *Tafsir al-Baghwi Known as al-Ma'alim al-Tanzil*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut, First Edition, ۱۴۲۰ A.H.
۵. Bahrani, Seyyed Hashem, *Al-Burhan fi Tafsir al-Quran*, Ba'ath Foundation, Tehran, First Edition, ۱۴۱۶ A.H.
۶. Baydawi, Abdullah bin Omar, *Anwar al-Tanziz and Asrar al-Ta'wil (Tafsir al-Baydawi)*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut, First Edition, ۱۴۱۸ A.H.
۷. Bukhari, Mohammad bin Ismail, *Sahih al-Bukhari*, Dar al-Fikr, Beirut, ۱۴۰۱ AH.
۸. Fadil Hindi, Bahauddin, *Kashf al-Litham*, Publications of Ayatollah Uzma al-Mara'shi al-Najafi Library, Qom, ۱۴۰۵ A.H.
۹. Fayz Kashani, Mohammad bin Shah Mortaza, *Tafsir al-Safi*, Al-Sadr Publications, Tehran, Second Edition, ۱۴۱۵ A.H.
۱۰. Fazlullah, Mohammad Hossein, *Man Wahi Al-Quran*, Dar al-Mulak, Beirut, First Edition, ۱۴۱۹ A.H.
۱۱. Ibn Abi Hatam, Abd al-Rahman bin Mohammad, *Tafsir al-Quran al-Azeem (Ibn Abi Hatam)*, Third Edition, Nizar Mustafa Al-Baz Library, Riyadh, ۱۴۱۹ A.H.
۱۲. Ibn Ashur, Mohammad Tahir, *Tafsir al-Tahrir and al-Tanweer known as Ibn Ashur's Tafsir*, Arab History Foundation, Beirut, First Edition, ۱۴۲۰ A.H.
۱۳. Ibn Babawayh, Abu Ja'far Mohammad bin Ali, *Al-Amali (Dictations)*, Printing and Publishing Center in al-Ba'ath Institute, Qom, ۱۴۱۷ A.H.
۱۴. Ibn Babawayh, Abu Ja'far Mohammad bin Ali, *al-Khisal*, Al-Nashar al-Islami Foundation of the Jama't al-Madrasin of Qom al-Musharrafah, Qom, n.d.
۱۵. Ibn Babawayh, Abu Ja'far Mohammad bin Ali, *Uyoun Akhbar al-Reza*, Al-A'lam Publishing Center, Beirut, ۱۴۰۴ A.H.
۱۶. Ibn Hajar, Ahmad Ibn Ali, *Introduction to Fath al-Bari*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut, First Edition, ۱۴۰۸ A.H./۱۹۸۸ AD.
۱۷. Ibn Kathir, Ismail Ibn Umar, *Tafsir al-Quran al-Azeem (Ibn Kathir)*, Dar al-Kutub al-Ilamiya, Mohammad Ali Beizun's Publications, Beirut, First Edition, ۱۴۱۹ A.H.
۱۸. Ibn Sa'd, Mohammad, *Tabaqat al-Kubra*, Dar Sadir, Beirut, n.d.
۱۹. Ishkawari, Mohammad bin Ali, *Tafsir Sharif Lahiji*, Dad Publishing House, Tehran, First Edition, ۱۹۹۴.
۲۰. Makarem Shirazi, Nasser et al, *Tafsir al-Nemouneh (The Ideal Exegesis)*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran, ۱۹۹۵.
۲۱. McAuliffe, *Encyclopedia of the Quran*, Translated by A Group of Translators, Hekmat Publications, Tehran, ۲۰۱۸.
۲۲. Mottaqi Handi, Aladdin Ali bin Hussam, *Kanz al-Ummal fi Sunan al-Aqwal and al-Afa'l*, Al-Risalah Foundation, Beirut, ۱۴۰۹ A.H.
۲۳. Mughniyeh, Mohammad Javad, *Tafsir al-Kashif*, Dar al-Kitab al-Islami, Qom, First Edition, ۱۴۲۴ A.H.
۲۴. Muqatil bin Suleiman, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut, First Edition, ۱۴۲۳ A.H.
۲۵. Najafi, Mohammad Hassan, *Javaher al-Kalam fi Sharh Sharaye' al-Islam*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran, Second Edition, ۱۹۸۷.
۲۶. Qomi, Ali ibn Ibrahim, *Tafsir al-Qomi*, Dar al-Kitab, Qom, ۴th Edition, ۱۹۸۸.

۲۷. Qurtubi, Mohammad bin Ahmad, *Al-Jame li Ahkam al-Quran*, Naser Khosrow, Tehran, First Edition, ۱۹۸۵.
۲۸. Samarqandi, Nasr bin Mohammad, *Tafsir al-Samarqandi Known as Bahr al-Uloom*, Dar al-Fikr, Beirut, First Edition, ۱۴۱۶ A.H.
۲۹. Sha'rani, Abul Hassan, *Allamah Sha'rani's Quranic Researches in the Commentaries of Majam al-Bayan, Ruh al-Jinan and Manhaj al-Sadiqin*, Bustan Kitab Qom (Islamic Preaching Office Publications of Qom Seminary), Qom, Second Edition, ۲۰۰۷.
۳۰. Stowasser, Barbara Freyer, "Wives of the Prophet", in: *Encyclopaedia of the Qur'an*, General Editor: Jane Dammen McAuliffe, Georgetown University, Washington DC. Consulted online on ۲۰ April ۲۰۲۱ http://dx.doi.org/10.1163/1875-3922_q3_EQCOM_00219.
۳۱. Suyuti, Jalal al-Din, *Al-Durr al-Manthur fi Tafsir al-Ma'thur*, Ayatollah Murashi Najafi Library, Qom, ۱۴۰۴ A.H.
۳۲. Tabari, Mohammad bin Jarir, *Jame al-Bayan on Taweel Ai al-Quran*, Dar al-Ma'rifah, Beirut, First Edition, ۱۴۱۲ A.H.
۳۳. Tabari, Mohammad Bin Jarir, *Tarikh al-Tabari*, Translated by Abul Qasim Payandeh, Asatir Publications, ۴th Edition, ۱۹۸۹.
۳۴. Tabarsi, Fazl bin Hassan, *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Naser Khosrow, Tehran, First Edition, ۱۹۹۳.
۳۵. Tabatabai, Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Translated by Mohammad Baqir Mousavi, Qom Seminary Society of Teachers, Islamic Publications Office, Qom, fifth Edition, ۱۹۹۵.
۳۶. Tantawi, Mohammad Seyed, *Al-Tafsir al-Wasit for the Holy Quran*, Nahda Misr, Cairo, First Edition, ۱۹۹۷.
۳۷. Waqidi, Mohammad bin Omar, *Maghazi; History of the Wars of the Prophet (P)*, Mahmoud Mahdavi Damghani. Academic Publishing Center. Tehran, Second Edition, ۱۹۹۰.
۳۸. Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, *Al-Kashshaf an Ghawamiz al-Tanzil wa Uyoun al-Aqawil fi Wujuh al-Ta'wil*, Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut, ۳rd Edition, ۱۴۰۷ A.H.
۳۹. <https://www.jstor.org/stable/41940924>. Journal Article: *Barbara Regine Freyer Stowasser* ۱۹۳۵-۲۰۱۲. Karin Christina Ryding. Review of Middle East Studies